

ایران

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- سردبیر:** حسام الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی)
- زرین رستمی وند(اجتماعی)
- بنفشه غلامی (جهان)

امام رضا علیه السلام:

روز فطر از این رو عید قرار داده شد تا روز گردهمایی مسلمانان باشد و در این روز گردهم آیند و برای خدا به صحرا (فضایی باز) درآیند و خداوند را بر منتی که بر آنها نهاده است ستایش و به بزرگی یاد کنند.

کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۲۳

نگاره



فضای مجازی

توصیه‌ای مهم برای ایام پایانی ماه مبارک رمضان

صفحه منتسب به بَردِ اللهِ فاطمی نیا (رحمة‌الله علیه) در اینستاگرام به دعاهای روزهای پایانی ماه مبارک رمضان اشاره داشته و با عنوان «توصیه‌ای مهم برای ایام پایانی ماه مبارک رمضان» آورده: «از اولیاء الهی، سینه به سینه، یک یادگاری دارم که عمل به آن برکات فراوانی دارد. ماه مبارک رمضان، این صیافت الهی را با یک زیارت جامعه کبیره به آخر برسانید. در اثر این عمل، این صیافت چنان رنگین خواهد شد که آثارش از عقول ما خارج است و روزی به کار خواهد آمد که آن روز هیچ چیز دیگری به کار نخواهد آمد.»



محسن نقر

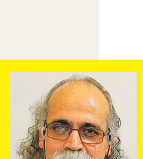
دولت پایدارحق فرامی‌رسد

وحید یامین‌پور به مناسبت ۲۰ فروردین «روز هنر انقلاب» متنی از شهید مرتضی آوینی بازنشر کرده است: «صراط مستقیم، که نه شرقی است و نه غربی، از متن جهنم می‌گذرد، چمنی که با دست اغواشدگان شیاطین پرکره زمین برپا شده است. شیاطین می‌دانند که اگر به ما اجازه رشد بدهند، آینده تاریخ جهان از کف اختیارشان خارج خواهد شد... هرکس به پیامبر اسلام گرویده، مأموریت استقامت دارد.» همچنین در بخشی از مقاله «دولت پایدارحق فرا می‌رسد» به قلم شهید آوینی آورده: «حتی اگر هیچ برهان دیگری در دست نداشتیم، ظهور انقلاب اسلامی – و بهتر بگوییم، بعثت تاریخی انسان در وجود مرید چون حضرت امام خمینی (ع)– برای من کافی بود تا باور کنم که عصر تمدن غرب سپری شده است و تا وضع موعود که انتظار اوست، فاصله چندانی باقی نمانده است. نتیجه نهایی را باید در سرزوشت موعود جهان جست‌وجو کرد. ما مرده و شما زنده، خواهیم دید که بالاخره چه کسی پیروز خواهد شد و چه کسی زمین را به ارث خواهد برد؟ حق یا باطل، امام حسین علیه‌السلام یا یزید، حریت‌با یا صدام، حضرت امام و یا غرب و شرق، امام زیمان عجل‌الله تعالی فرجه الشریف یا دجال. ما به وعده‌های خدا یقین داریم که «ان الارض نرثها عبادی الصالحون» این ماییم که زمین را به ارث خواهیم برد.»



محسن نقر

امیرمحمد زند با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش به موضوع فرهنگ‌سازی اشاره کرده و نوشته است: «خیلی وقت است می‌خواهم یک مطلبی بگویم. به نظر شما چکار باید کرد که ظاهر فرهنگ خارجی‌ها رو با باطن فرهنگ خودمون قاطی نکنیم؟ در رفتار و لباس پوشیدن و تفکرات (پوست) فرهنگ آنها را برداشتیم و تقلید می‌کنیم ولی هنوز مثلاً آشغال تو خیابون می‌ریزیم یا این مدل رانندگی ما است و یا... جالب‌تر اینکه که درصد کمی از ما حتی رفتیم آنجا زندگی کنیم و ببینیم واقعیت زندگی آنها چیست، غم‌انگیزه.»



محسن نقر

یک کتاب تازه بخوانیم
فرهاد حسن‌زاده با انتشار یک استوری از معرفی یک کتاب تازه از نشر آفق خیر داده است. کتاب «همچون رعده» به نویسندگی جاسمین ارگا و ترجمه کیوان عبیدی آشتیانی است. در این استوری که یکی از فعالان حوزه فرهنگ منتشر کرده است: «این آخرین و یکی از بهترین کتاب‌های نوجوانی بود که امسال خوندم. داستان پرپیچ و تاب و در مورد تیراندازی در مدرسه. عجیب، نفس‌گیر و شفاف‌دهنده. من توی ویدیو به اشتباه به مسلمانون بودن شخصیت داستان اشاره کردم، اما در واقع نویسنده تمرکزش روی خاورمیانه‌ای بودن هست. که آتیم نه خودش بلکه به‌واسطه پدر لبنانی‌اش این دختر و خواهرش هم خاورمیانه‌ای شناخته می‌شدن.»

درخشش «مورچه» در اولین حضور جهانی با ۲ جایزه از روسیه

فیلم کوتاه «مورچه» اولین ساخته فرهاد شنتیایی نوانست در اولین حضور جهانی خود در هشتمین دوره از جشنواره چلچینوفست روسیه برنده ۲ جایزه «بهترین فیلم خارجی زبان» و «بهترین فیلم از هیأت داوران دانشجویی» را از آن خود کند.

«مورچه» پیش از این جایزه بهترین فیلم از نگاه تماشاگران چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران را گرفته بود.

مهدی قربانی، علیرضا محمدی، شیرین محسنی، نیکی بنی اسدی، مهرداد فتحی، ملیکا خالقی، فاطمه میرزیایی، صدرا اصغری، سید علی پرنچی و محمد عزیزی در این فیلم کوتاه ایفای نقش دارند.

- لیدا فخری (اندیشه) «محمدرضا عزیزی (گزارش)
- زهره کشوری (زیست‌بوم) «فرناز قلعه‌دار(حوادث)
- مهدی کلهرنژاد(اجرایی)
- صفحه‌آرایی «ایران»
- ویراستاری «ایران»
- ابوالفضل نسایی(عکس)

نقل قول

ایوب آقاخانی : گام بلند و مثبت تلویزیون امر مبارکی است

درباره دوره تحول جدید در صداوسیما باید بگوییم به هرحال این یک ریل‌گذاری تازه از نگاه مدیران جدید رسانه ملی است و این ریل‌گذاری جدید نیاز به زمان دارد. امیدوارم که رویکردها جای درست خود را به نحو شایسته‌ای در سازمان صداوسیما پیدا کند. بدیهی است که هنوز داریم درباره ایده‌ها صحبت می‌کنیم و به اجرا در آمدن ایده‌ها نیاز به زمان دارد و خوشبختانه تا الان گام‌های خوبی برداشته شده است، آرزوی من این است که این گام‌ها بلندتر و با سرعت بیشتری برداشته شود.

از نگاه من، حضور این عزیزان در برنامه‌های سال تحویل و نوروزی شبکه‌های تلویزیونی ۱۰۰ درصد اثرگذار بوده است و این رویکرد و نگاه و میل به جذب اکثریت چه در میان هنرمندان و چه در میان مخاطبان اتفاق خوشایندی است. از نگاه خودم وقتی به عنوان یک خادم رسانه‌ای تلویزیون را روشن می‌کنم و تصاویر جمعی از همکاران را بدون تفکیک و خط‌کشی در قاب تلویزیون می‌بینم، لذت می‌برم و احساس همگرایی بیشتری دارم؛ این مهم به هر قیمتی به دست آمده باشد از نظر من امر مبارکی است.

بخشی از صحبت‌های این نمایشنامه‌نویس و بازیگر تئاتر و تلویزیون با مهر

یادداشت

موسیقی، پژواک حق (۷)

سقوط یعنی چه؟ یعنی بی‌اعتنایی؟! خیر. سقوط یعنی توقف. اگر سیر استکمالی آدمی متوقف شود، سیر قهقریایی او، آغاز می‌شود. مشاهده مناظر و مرایای زیبا، باغ، چمن، دشت، بیستان، مه و مرغ و...سقوط است؟ خیر. ولی توقف درآنها سقوط است. چرا؟ زیرا از زیبا به زیبایی نرسیده‌ای! از زیبا به خالق آن صعود نکرده‌ای! خب چاره چیست؟ ترک زیبایی و طرد آن؟ خیر. قوت داشتن هنگام مواجهه با زیبایی؛ چگونه؟ قوت داشتن چیست؟ یعنی چه؟ این‌گونه در مقابل زیبا دل از کف ندهی. در آن صورت چه تفاوتی میان دیدن زیبا و غیر آن است؟ به تعبیری چه تفاوتی میان زیبایی نیست! اگر درمقابل زیبا، دل از کف ندهیم، آن‌گونه که غیر زیبا را دیدهایم، نشانه بی‌اثری زیبا و عدم‌تأثیر آن نیست! نشانه قوت و قوی بودن ماست! یعنی چه؟ مگر ما آمده‌ایم با زیبا و مظاهر آن بچنگیم که در مقابل آن با قوت قرار بگیریم؟ خیر. قوت فقط در مقابل خصم قرارگرفتن نیست! قوت یا قوی بودن، یعنی حفظ و حراست از میراث و سرمایه‌ها و دستاوردهایی است که برای کسبش، عمری مشقت و مرارت صرف شده؛ بلکه عمر هزینه‌اش شده، نایبست با تندبادهای زیبایی و طوفان‌های آن به غارت رود! پس دراین صورت چه لزومی برای بودنش (زیبایی) است؟ در این صورت، زیبایی مهلکه‌ای است که قرار گرفتن درآن، از دست دادن و از دست رفتن است! نکته همین جاست.

آنچه گفتیم برای قوت، همین جا معنا دارد! قوت یعنی حفظ سرمایه‌ها و به تعبیر وسیع‌تر، حفظ خود! نه زیرپا گذاشتن حق و حقیقت! زیبایی، یک حقیقت است. مگر می‌شود آن را زیرپا گذاشت؟ کسی که چنین کند، حقیقت را ندیده است و حق آن را به جای نیاورده! چگونه ببیند و به‌جای آورد و قوت را هم حفظ کند؟ این‌گونه‌که ملکه و فضیلت عدالت را در نهاد و وجودش رشد داده و قوی کرده باشد! اگر ملکه عدالت در ما قوی شود، حق را ندید نمی‌گیریم و به حقیقت پشت نمی‌کنیم و از آن طرف خود را نمی‌بازیم و از دست نمی‌رویم! یعنی چه؟ چگونه ممکن است؟ ملکه عدالت که حقوق را می‌شناسد و در پی آن، رعایت آن را به جای می‌آورد، خود زیبا و بلکه بسیار زیباست! و قوت یعنی همین! اگر کسی این صفت و فضیلت را داشته باشد، زیبایی را در خود دارد و در مقابل مظاهر آن از پای در نمی‌آید؛ نه یعنی متأثر نمی‌شود! بلکه از پای در نمی‌آید. از پای درآمدن، یعنی باختن! از دست دادن همه سرمایه‌ها. از آن هم بالاتر، تسلیم شدن. از دست دادن خود.

زیبایی، موهبتی است که گاهی هست و گاهی نیست! یعنی بعضی یارند و بعضی ندارند. اما مواجهه با آن البته نه مقابله، متأثر شدن و ادای حق آن را در پی دارد ولی نه انهدام. زیبایی موجب انهدام نمی‌شود. اگر شود مقصر، آن نیست. بلکه کسی است که قوت ندارد. اگر زیبایی، موجب انهدام و نابودی سرمایه‌ها و میراث هر شخص شود، مقصر شخص است. زیرا فاقد قوت است. آنکه قوت ندارد و آن را تدارک نکرده است. انهدام شخص، فقدان قوت اوست. زیبایی، موجب انهدام نیست. بلکه زیبایی موجب بازسازی و استکمال است. تفاوت



قوت یعنی

حفظ

سرمایه‌ها

و به تعبیر

وسیع‌تر،

حفظ خود!

نه زیرپا

گذاشتن

حق و

حقیقت!

زیبایی، یک

حقیقت

است. مگر

می‌شود

آن را زیرپا

گذاشت؟

کسی که

چنین کند،

حقیقت را

ندیده است

و حق آن

را به جای

نیاورده!



بخشی از صحبت‌های این نمایشنامه‌نویس و بازیگر تئاتر و تلویزیون با مهر

یادداشت

موسیقی، پژواک حق (۷)

میبایی است بین انهدام و استکمال! دراستکمال، ضعف‌ها برطرف می‌شود و قوت‌ها، بیشتر می‌شود. استکمال، برای کامل شدن و آن، یعنی قوی شدن است. اگر زیبایی هست، برای آن است که ما قوی و قوی‌تر شویم. نه آنکه منهدم و معدوم شویم. آنکه در پای زیبایی، از دست می‌رود و از دست می‌دهد، ضعیف است و فاقد قوت و توانایی. ملکه عدالت، جسمانی نیست که در بدن قوی باشد. توانایی آن، مانند غفلات پیچیده و ورزیده نیست. طاق‌ت ایستادگی و حفظ کردن است. قوت عدالت، قدرت بازو نیست. قدرت ایستادن به عزم و اراده فراموش است. ممکن است جسماً ضعیف باشی و در مقابل حریف، از پای درآی و اسپرش شوی ولی هرگز تسلیمش نمی‌شوی. قوت، در اینجا قدرت روحی است. عدالت، قدرت روح است که هیچ حریفی ندارد.

روح قوی، مسلط و غالب است. در مقابل زیبایی، متأثر و ملکه‌زود می‌شود ولی از پای در نمی‌آید. چرا؟ زیرا ملکه عدالت را دارد. ملکه عدالت چیست؟ فضیلتی که حق را می‌شناسد و حرمت آن را به‌جای می‌آورد ولی چیزی را به جای آن نمی‌نشاند! یعنی چه؟ زیبایی را ببیند، شناخت حق آن و به‌جای آوردن حرمتش و نشاندن چیزی به جای آن را چگونه انجام دهد؟ زیبایی، یک موهبت و نعمت شایسته و فوق‌العاده است. داشتنش فضیلت و امتیازاست. مسلماً همیشه خشنود کننده است. موجب خوشحالی است. اصلاً نعمت، موجب خوشحالی است. کیست که درمقابل نعمت، خوشحال نباشد! پس فهمیدن اینکه چیزی نعمت است، خود شناخت آن است. نعمت هم ستوده و پسندیده است.

این هم شناخت حق و جایگاه آن است. احترامی که از پس این دو شناخت ایجاد می‌شود، آن را در جای شایسته‌اش قرار می‌دهد و نمی‌توان غیر جایش نشانندش. اینها همه به جای خود. ولی اینکه سرمایه‌های ناظر وشاهد، باید بیشتروقوی‌تر شود هم باید در نظر ناظر باشد. چگونه به زیبایی می‌نگرد؟ این‌گونه‌که از آن به کمال رسد یا در مقابلش نابود شود؟ زیبایی، موجب نابودی و انهدام نیست. موجب رشد و ارتقا و کمال است. اگر کسی درمقابل آن از دست می‌رود، مقصرش زیبایی نیست. بلکه ضعف روحی و قوای دماغی اوست. اگر شخص چنین باشد، چه کند؟ یا خود را قوی کند و یا از مواجهه پرهیز کند. بی‌آنکه زیبایی را مقصر بداند.

علت پرهیزش را ضعف روحی و عدم‌فضیلت عدالت در وجود خودش بداند. اگر کسی قدرت مواجهه با یک شخص بزرگ یا قدرتمند و یا فوق‌العاده را ندارد، از مواجهه با آن پرهیز کند تا اینکه قدرت مواجهه پیدا کند! اما دلیل پرهیزش را ضعف و ناتوانی خود بداند نه تهمت ایراد وانشکال وارد بر زیبایی! پس ۱-قوت و توانایی وجود ملکه عدالت در اوست. ۲- رعایت حقوق و جایگاه ناظر و مواجهه با زیبایی شرط اول است که به معنای وجود ملکه عدالت در اوست. ۳- رعایت حقوق و جایگاه موارد چون زیبایی. نکته مهم‌تر از اینها این است که مواجهه با مقابله متفاوت است. تفاوتی بنیادین. ما با امور مواجه می‌شویم یا مقابل؟

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمایر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک:** ۳۰۰۴۵۱۲۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۱۵۸۷۵۰۳۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۰۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌چم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ (۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۴۸۸۹۲۰۵



«ایران» رادر صفحه‌های مجازی دنبال کنید



دیگران را عید فرست ما را این دست روزهداران ماه نوبینند و ما بروی دوست

سعدی

دعای روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان

اللّٰهُمَّ عَسْنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَازْقَنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ قَلْبِي مِنْ غِيَايِبِ التَّهَمَةِ يَا زَجيْمًا يَعْبادُو الْمُؤْمِنِيْنَ

خدایا در این ماه با رحمت فروگیر و توفیق و خود نگهداری نصیب کن و از تیرگی های تهمت دلم را پاک گردان، ای مهربان به بندگان با ایمان.

کلمه

غفلت نویسندگان

از روایتگری کشتار دیرباسین

روایت و روایتگری در حوزه ادبیات داستانی در بسباری از موارد وام‌دار تاریخ است و بسبباری از روایتگران برجسته، رویدادهای کوچک و بزرگ تاریخی را به‌عنوان بستری برای روایتگری خود در حوزه داستان انتخاب می‌کنند و چه بسا ممکن است در عین وفاداری به مستندات تاریخی، از احساس، عواطف و انواع شگردهای روانی هم برای تأثیرگذاری بیشتر آن واقعه مستند و تاریخی بهره ببرند و اثری در حوزه ادبیات داستانی خلق کنند که به‌رغم نشانه‌های پررنگ تاریخی، یک اثر ادبی مستقل هم محسوب شود. البته همه وقایع تاریخی در این زمینه از ظرفیت‌های لازم برخوردار نیستند.

با این حال، تعداد وقایع بزرگ که می‌توانند منبع و الهام‌بخش آثار ادبی ماندگار شوند هم کم نیست. یکی از این وقایع، فاجعه کشتار دیرباسین است که به‌رغم ظرفیت‌های روایی بالایی که دارد اما متأسفانه در آثار ادبیات داستانی ایران و جهان بویژه کشورهای اسلامی که اتفاقاً باید در این زمینه پیشتاز باشند، بازتاب لازم و اثرگذار نداشته و ندارد. گذشت بیش از هفت دهه، زمان کافی در اختیار نویسندگان قرار داده‌که به یکی از بزرگ‌ترین جنایات قرن بپردازند و ابعاد گوناگون فاجعه کشتار دیرباسین در فلسطین اشغالی را در روایت‌های خود بازتاب دهند، اما همان‌طور که اشاره شد کارنامه نویسندگان ایران و جهان بویژه در کشورهای اسلامی در این زمینه تقریباً خالی است و اگر هم در برخی آثار به این موضوع اشاره شده به شکل گذرا و ناچیز بوده و نتوانسته ابعاد این فاجعه بزرگ در تاریخ فلسطین را در آثار ادبی به شکل مطلوب بازتاب دهد. این در حالی است که ادبیات داستانی به‌عنوان یکی از منابع مورد استفاده در هنرهای دیگر مانند تئاتر، سینما و تلویزیون همواره این ظرفیت را دارد که برای سایر شاخه‌های هنری هم سوزه‌یابی کند و مورد استفاده قرار گیرد. از این منظر، واقعه دیرباسین، ظرفیت‌های روایی بسیاری دارد که تا به امروز از آن غفلت شده است. اصل ماجرا به سال ۱۹۴۸ برمی‌گردد که در روز ۹ آوریل (۲۰ فروردین) جنایتی توسط صهیونیست‌ها در سرزمین‌های اشغالی روی داد که طی آن بسیاری از ساکنان روستای دیرباسین در غرب قدس اشغالی در حمله دو گروهک جنایتکار صهیونیستی «ارگون» و «شتین لیجی» به شهادت رسیدند.

جمعیت این روستا حدود ۷۵۰ نفر بود که در آن جنایت، ۲۵۰ الی ۳۶۰ نفر به شهادت رسیدند. کسانی که از این جنایت جان سالم به در برده‌اند می‌گویند که حمله به دیرباسین رأس ساعت ۳ بامداد آغاز شد اما صهیونیست‌های مهاجم از دفاع ساکنان روستا غافلگیر شدند و ۴ نفر از آنان به هلاکت رسیده و دست‌کم ۳۲ نفر دیگر زخمی شدند. پس از مقاومت ساکنان روستا، گروهک‌های تروریست یهودی از فرماندهی هاگانا در قدس درخواست نیروهای کمکی و پشتیبانی کردند و مجدداً با سلاح‌های سنگین به روستا حمله کرده و زن و مرد و کودک را به خاک و خون کشیدند. باتریک میرسپون نویسنده فرانسوی درباره جزئیات این جنایت گفته است: مهاجمان قبلاً وارد چنین نبردهایی نشده بودند، بنابراین پرتاب بمب به داخل بازارهای شلوغ و پرجمعیت برای آنان راحت‌تر از حمله به روستایی بود که ساکنان آن به دفاع از خود می‌پرداختند، به همین خاطر آنها موفق به پیشروی در این نبرد نشدند. صهیونیست‌های تروریست از نیروهای بالمخ در یکی از پایگاه‌های نزدیک به قدس کمک دریافت کردند و این نیروها از این پایگاه با خمپاره روستای دیرباسین را مورد حمله قرار دادند تا کار مهاجمان برای حمله به روستا راحت‌تر شود. طرف‌های ظاهر دیگر هیچ مقاومتی در روستا انجام نمی‌گرفت و نیروهای ارگون و اشترن به روستا حمله کرده و اقدام به انداختن بمب و دینامیت به داخل آن کردند و با منفجر کردن یک به یک خانه‌های فلسطینیان، روستا را تحت کنترل خود گرفتند و کشتار جمعیی در این روستا انجام دادند. اکنون در هفتاد و ششمین سالروز قتل‌عام فلسطینی‌ها در روستای دیرباسین، ضرورت روایتگری درباره ابعاد گوناگون این جنایت صهیونیست‌ها بیش از پیش احساس می‌شود و این وظیفه نویسندگان است که به این مسأله مهم اما غفلت‌شده در دهه‌های گذشته ورود کرده و آثار ادبی لازم و ماندگار را خلق و منتشر کنند.



عکس نوشت



با مشارکت هنرمندان مشهدی، آیین حکاکی گروهی دعای شرف‌الشمس در مجموعه تاریخی فرهنگی مصلا مشهد برگزار شد.

● عکس: میراث آریا